

راه‌های پیش‌گیری از آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاهی

فرح دیبا واعظی^۱

محمد پناهی^۲

چکیده

آزار و اذیت زن در محیط دانشگاهی یک معضل جهانی است که در سراسر جهان و افغانستان روزانه تعداد زیادی از زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی‌شان به دلایل گوناگون، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و از آزار و اذیت جنسی، جسمی و روانی رنج می‌برند که آثار سوء و ماندگاری بر روح و روان زنان به‌جا می‌گذارد. با تلفات به موارد فوق‌الذکر ارائه و بکارگیری تدابیر و اقداماتی جهت پیشگیری از این پدیده ناهنجار اجتماعی ضروری بوده و به اهمیت توجه به مقوله پیشگیری از آزار و اذیت زن می‌افزاید. برای جلوگیری از اعمال آزار و اذیت زنان می‌توان از راهکارهای پیشگیرانه متفاوتی استفاده کرد؛ از جمله تدابیری که می‌توان با استفاده از آن میزان بزه‌دیدگی زنان آزار و اذیت آن‌ها را کاهش داد، پیشگیری وضعی و کیفری است. پیشگیری وضعی که نوع پیشگیری کنشی است، با شناسایی، حذف و خنثی کردن شرایط و موقعیت‌های آسیب‌زا، مانع آسیب‌دیدگی افراد و ورود آنان به ورطه بزه‌دیدگی می‌شود. هدف از تحقیق حاضر ارائه راهکارها و راهبردهای پیشگیرانه در چارچوب پیشگیری وضعی جهت جلوگیری از آزار و اذیت زن در افغانستان است که با اتخاذ تدابیر پیشگیری وضعی که دربرگیرنده حذف وضعیت‌های جرم‌زا، کاهش حضور در مکان‌های خطرناک، تأسیس پلیس ویژه زنان و اصلاح سبک زندگی زنان است می‌توان از آزار و اذیت زن پیشگیری کرد. نتیجه به دست آمده عبارت است از این که بکارگیری تدابیر پیشگیری وضعی زمانی می‌تواند در جهت پیشگیری از آزار و اذیت زنان مؤثر باشد که ابتدا تغییرات در ساختار و شرایط اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و غیره به وجود آید که با اصلاح موارد ذکر شده، می‌توان به کاهش یا محو مقوله آزار و اذیت زن دست یافت. نوشتار حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، پیشگیری وضعی، آزار و اذیت، محیط دانشگاه، افغانستان.

۱. ماستری جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول).

۲. دکتری جزا و جرم‌شناسی و پژوهشگر.

مقدمه

آزار و اذیت زنان بعنوان یکی از معضلات جدی اجتماعی و ریشه‌دارترین ستمی است که در زمان‌های مختلف بر زنان اعمال شده است. این معضل که ریشه عمیق در فقر اقتصادی، فرهنگ‌ها، عرف‌ها، باورها و عدم آگاهی کافی افراد جامعه دارد، هر ساله هزاران انسان بی‌دفاع را به خاطر زن بودنشان به قربانی می‌گیرد که با توجه به موارد فوق؛ شناخت ابعاد مختلف جرم و عوامل تأثیرگذار بر روی آن از جمله مواردی است که سعی در بررسی همه‌جانبه آن می‌رود تا بتوان با شناخت عوامل موجب آن، راهکارهای پیشگیری و جلوگیری از این پدیده زشت اجتماعی را یافته و به آن عمل نمود.

یکی از معضلات اجتماعی در افغانستان آزار و اذیت جنسی است که در نهادهای تحصیلات عالی کشور نیز تظاهر می‌نماید. ایجاد تحصیلات عالی با کیفیت و پاسخگو که یکی از اهداف عمده استراتژیک وزارت تحصیلات عالی است، مستلزم نهادینه نمودن اصول و ارزش‌های معین اجتماعی و آکادمیک بوده که در آن فعالیت‌های روزمره به شمول آموزش بر مبنای حسن روابط، احترام متقابل و حقوق یکدیگر، تحکیم ضوابط و نظم پوهنتونی بنا یافته باشد.

انستیتیوت مطالعات جندر پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۹، یک تحقیقی را پیرامون آزار و اذیت جنسی زنان در سه پوهنتون مختلف دولتی افغانستان راه‌اندازی نمود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که آزار و اذیت جنسی و تبعیض جنسیتی در پوهنتون‌ها یک چالش جدی است. بر اساس این تحقیق، از میان ۲۰۰ تن از مصاحبه‌شوندگان طبقه اناث، ۵۵ درصد آنان نوعی از آزار و اذیت جنسی و تبعیض را تجربه نموده بودند. ۴۸ درصد آنان شکار بد زبانی و ۴۳ درصد آنان شکار تبعیض جنسی بودند. آزار و اذیت جنسی و تبعیض، رفتاری است که ارزش‌های اسلامی و قانون اساسی افغانستان را نقض می‌نماید.

وزارت تحصیلات عالی افغانستان، پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی طبق پلان استراتژیک ملی خویش متعهدند تا یک محیط مصون و قابل اعتماد و مبتنی بر احترام متقابل را میان محصلان، کارمندان اداری، کادرهای علمی و سایر اشتراک‌کنندگان برنامه‌ها و فعالیت‌های تحصیلات عالی فراهم نمایند. بر مبنای آن، وزارت تحصیلات عالی و نهادهای تحصیلات عالی کشور تلاش می‌نمایند تا در همه کانون‌های مربوط از هرگونه تبعیض و آزار و اذیت بر اساس

جنسیت، قوم، ملیت، مذهب، معلولیت، سن، حالت مدنی و غیره جلوگیری نماید. این پالیسی تعهد وزارت تحصیلات عالی را پیرامون تأمین محیط مصون و عاری از هر نوع تبعیض، آزار و اذیت جنسی بیان نموده و مسئولیت‌های تمام نهادهای ذی‌ربط و منسوبین اعم از تمام کارمندان وزارت تحصیلات عالی، پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی به شمول محصلان، کارمندان (استادان نیمه‌وقت و تمام‌وقت، مدیران و کارمندان اداری) و مراجعین در پوهنتون‌ها یا مؤسسات تحصیلات عالی را تصریح می‌نماید.

اما پرسشی که مطرح می‌گردد این است که راه‌های پیش‌گیری از آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاهی کدامند. کاهش جرم علیه زن در محیط‌های اجتماعی مانند دانشگاه نیازمند یک سری پیش‌گیری‌های وضعی و پیش‌گیری کیفری در نظام حقوقی و کیفری کشور و نیز همکاری مداوم تمام گروه‌های اجتماعی بر اساس برنامه‌های دقیق، منظم و گسترده است.

هدف از گردآوری این مطالب، آشنایی مختصر با مفاهیم و مصادیق آزار و اذیت زنان و پیش‌گیری مؤثر از آن در محیط دانشگاهی است. در این نوشته ضمن معرفی اصطلاحات مرتبط با جرم، تلاش شده است تا انواع جرم بر مبنای مصادیق جرم در قانون منع جرم علیه زنان و قانون منع آزار و اذیت زنان دسته‌بندی گردد. زیرا در این قوانین ضمن تعریف مشخص از این مفاهیم و مصادیق جرم علیه زنان بعنوان عمل ضد حقوق بشری جرم‌انگاری شده است و نیز با در نظر داشت معیارهای جرم‌شناسی و حقوق کیفری افغانستان به پیش‌گیری‌های مؤثر پرداخته شده است.

۱. مفاهیم

در این بخش به تعریف و بررسی مفاهیم تحقیق پرداخته شده است:

۱-۱. پیش‌گیری

واژه پیش‌گیری در مفهوم متداول آن در معانی مختلفی بکار رفته است که عبارتند از:

۱. «پیش‌گیرنده، آنکه جلوی کسی را بگیرد یا مانع کاری یا چیزی بشود، جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته معنی شده است.» «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و همچنین «آگاه کردن، از چیزی خبر دادن و هشدار دادن» است. (محمد نسل و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

۲. در متون تخصصی پیشگیری معادل واژه (prevention) به کار می‌رود که به معنای انجام عملی است که مانع واقع شدن چیزی بشود و یا به معنای جلوگیری از عملی را گوید.
 “the act or practice of something bad from happening: the act of preventing something”)Dictionary Merriam-Webster)

صاحب‌نظران با توجه به زاویه دید، تعاریف متعدد و متفاوتی از پیشگیری ارائه نموده‌اند:
 ۱. در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنای لغوی آن مورد استفاده واقع می‌شود؛ یعنی به کار بردن فنون و تدابیر مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، جلوی تبهکاری رفتن به منظور ممانعت از وقوع جرم و یا پیشی گرفتن از جرم، آمده است. عده‌ای از جرم‌شناسان بر این اعتقادند که پیشگیری عبارت است از وسایل و ابزاری که دولت و جامعه مدنی به منظور مهار بزهکاری به کار می‌گیرند. برخی دیگر معتقدند که پیشگیری دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش می‌دهد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱) شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب‌نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی از پیشگیری از جرم ارائه شده است.

۲. از نظر علمی، پیشگیری یک مفهوم منطقی - تجربی است که هم زمان با تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ایجاد می‌شود. چنانچه ریموند گسن، جرم‌شناس فرانسوی، برای پیشگیری، یعنی اقدام نسبت به عوامل و فرایندهای بزهکاری، معیارهای چهارگانه‌ای تعریف می‌کند و معتقد است که «پیشگیری شامل مجموعه تدابیر سیاست جنایی به استثنای تدابیر نظام کیفری می‌شود که غایت انحصاری یا لااقل جزئی آن، تهدید امکان وقوع مجموعه اقدام‌های مجرمانه از طریق غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آن‌هاست.» (ریموند گسن، ۱۳۷۰، ص ۱۱).

۳. در تعریفی که توسط مرکز پیشگیری از جرم در استنفورد انگلستان ارائه شده، پیشگیری از جرم به نحو زیر تعریف شده است: «پیشگیری از جرم پیش‌بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم و ابداع اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آن است». واحد پیشگیری از جرم دادگستری استرالیا نیز پیشگیری از جرم را بعنوان «کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم از طریق مداخله در علل آن» تعریف کرده است که با تبعیت از آن اکبلوم در تعریف پیشگیری

از جرم بیان داشته است: «پیشگیری عبارت است از کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم و بی‌نظمی از طریق مداخله در علل آن». (محمد نسل و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

۱-۲. آزار و اذیت

مطالعه و پژوهش در باب هر موضوع در گام نخست نیازمند وقوف و احاطه بر مفاهیم بنیادین و شناخت ابعاد معنایی واژگان کلیدی آن حوزه است و در این قسمت معنای لغوی آزار و اذیت، پیشگیری وضعی و تعریف اصطلاحی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱. آزار و اذیت در لغت

واژه آزار و اذیت در لغت به معانی مختلفی به‌کار رفته است:

۱. به مفهوم پرخاشگری و سختگیری آمده و با کلماتی همچون درشتی، زبری، خشم و تندخویی مترادف شده است. (معین، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۶).

۲. در فرهنگ عمید به معنای «درشت شدن، درشتی کردن، درشتی، زبری، ناهمواری، مقابل نرمی، درشت‌خویی و تندخویی» آمده است. (عمید، ۱۳۷۲، ص ۶۰۱).

۳. در فرهنگ دهخدا آزار و اذیت این‌گونه تعریف شده است: «آزار و اذیت استفاده غیرقانونی یا غیرمجاز از قدرت است که معمولاً با شدت، نفرت یا خشم همراه است.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۱۰۱).

صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف از جمله حقوقی، قانونی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با توجه به زاویه دید خود تعاریف متعدد و متفاوتی از آزار و اذیت ارائه نموده‌اند.

۱-۲-۲. آزار و اذیت از منظر حقوق‌دانان

آزار و اذیت عملی است که شخص برای رسیدن به هدف یا به کرسی نشان منظور و مقصد خویش از تندخویی، توسل به تهاجم و حمله استفاده نماید. (ستانکزی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

۱-۲-۳. آزار و اذیت از منظر قانونی

در قوانین تعریف متعددی از این عبارت به عمل آمده است. تا پیش از ورود سازمان جهانی بهداشت به مقوله آزار و اذیت زنان با توجه به تعاریف و برداشت‌هایی که از این مفهوم وجود داشت، پیشگیری از آزار و اذیت در قلمرو محدودی انجام می‌گرفت، اما پس از ورود سازمان و

ارائه تعریفی روشن از آزار و اذیت زنان و مصادیق آن، رویکرد جوامع نیز در همین راستا متحول شد. (کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، ماده دوم، بند ج، مصوب سال ۱۹۷۹ میلادی، ماده ۱).

قانون منع آزار و اذیت زن مصوب سال (۱۳۸۸)، آزار و اذیت زن را با در نظر داشت مصادیق آن تعریف نموده است: «آزار و اذیت ارتکاب اعمال مندرج ماده ۵ این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال، یا روان زن می‌گردد و ماده پنجم چنین صراحت دارد: ارتکاب اعمال ذیل علیه زن، آزار و اذیت شناخته می‌شود: ۱. تجاوز جنسی؛ ۲. مجبور نمودن به فحشا؛ ۳. ضبط و ثبت هویت مجنی‌علیها و نشر آن به نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند؛ ۴. آتش زدن یا استعمال مواد شیمیایی، زهری و یا سایر مواد ضررناک؛ ۵. مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک؛ ۶. مجروح یا معلول نمودن؛ ۷. لت و کوب؛ ۸. خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج؛ ۹. نسبت بد دادن؛ ۱۰. نکاح اجباری؛ ۱۱. ممانعت از حق ازدواج و یا انتخاب زوج؛ ۱۲. نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ ۱۳. دشنام، تحقیر و تخویف؛ ۱۴. آزار و اذیت؛ ۱۵. انزوای اجباری؛ ۱۶. اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر؛ ۱۷. منع تصرف در ارث؛ ۱۸. منع تصرف امور شخصی؛ ۱۹. ممانعت از حق تعلیم؛ تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحتی؛ ۲۰. کار اجباری؛ ۲۱. ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (۸۶) قانون مدنی؛ ۲۲. نفی قرابت.» (جریده رسمی، ۱۳۸۸، قانون منع آزار و اذیت علیه زن، ماده ۵).

۱-۲-۴. آزار و اذیت از منظر روان‌شناسی

بلاک برن، یک تن از روان‌شناسان سده ۱۹۹۶، در رابطه به آزار و اذیت چنین تعریف ارائه داشته است: «آزار و اذیت بر اساس وارد کردن صدمه‌های وخیم به دیگری و استفاده نابجا از نیروی جسمانی بوده و قتل، تهاجم، دزدی، تجاوزهای جنسی و جزء آن را شامل می‌شود». (پریخ دادستان، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷).

سیان، روان‌شناس سده نوزده، آزار و اذیت را مستلزم به کار بردن نیروی جسمانی علیه فردی دیگر دانسته است که گاهی با انگیزه پرخاشگرانه برانگیخته می‌شود و هالین آزار و اذیت را چنین تعریف کرده است: «آزار و اذیت مجرمانه شامل رفتارهای آسیب‌زننده‌ای است که قانون آن‌ها را منع کرده

است». از آنجا که تمامی رفتارهای پر خاشگرانه را نمی‌توان مجرمانه دانست، اصطلاح آزار و اذیت به معنای یک پر خاشگری مخرب جسمانی که با قصد صدمه زدن به اشخاص یا اشیاء به راه می‌افتد به کار برده می‌شود. آزار و اذیت می‌تواند پایدار یا زودگذر، عمدی یا غیر عمدی باشد اما همواره موضوع مورد نظر (هدف) را تخریب می‌کند یا قصد چنین تخریبی را دارد. (همان، ص ۱۸۲).

۵-۲-۱. آزار و اذیت از منظر جامعه‌شناسی

برای ارائه تعریف جامع و مانع از آزار و اذیت، باید به نکاتی چند توجه داشت؛ نخست آنکه اقدامات غیر عمدی را نمی‌توان اعمال آزار و اذیت آمیز دانست. دوم در تحقق آزار و اذیت صرفاً اقدامات فیزیکی شرط نیست و آزار و اذیت وسعتی بسیار گسترده‌تر از مصادیق فیزیکی و جسمی آن دارد. سوم اینکه غیرقانونی بودن رفتاری را نمی‌توان از عناصر آزار و اذیت دانست و به همین سبب است که بحث از تقسیم آزار و اذیت‌ها به مجاز و غیر مجاز یا قانونی و غیرقانونی به میان کشیده می‌شود. در نهایت بایستی گفت که آزار و اذیت تنها از خشم و غضب نبوده و ساحت وسیعی را در بر می‌گیرد. زیرا اساس آزار و اذیت ضرر رساندن به دیگران است. خواه ضررهای مادی باشد یا معنوی، جسمی باشد یا روانی، بنابراین می‌تواند به هر شکلی انجام پذیرد. (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵).

۲. مصادیق آزار و اذیت در محیط دانشگاه

در این مبحث به بررسی مصادیق آزار و اذیت در محیط دانشگاه پرداخته شده است:

۲-۱. آزار و اذیت کلامی

آزار و اذیت زنان در افغانستان در محیط دانشگاه ناشی از عوامل متعددی است که بطور کلی مهم‌ترین عوامل آزار و اذیت زنان را می‌توان بصورت زیر لیست کرد.

۲-۱-۱. تحقیر کردن

برخی از مردان بجای حفظ احترام و منزلت زنان و تکریم او، گفتار، کردار، اوصاف یا خلقت وی را بواسطه قول یا فعل و از طریق ایماء و اشاره و کنایه تمسخر می‌کنند. در این صورت شخصیت و جایگاه زنان در نزد دیگران مخدوش می‌شود. (اسکید مور و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۷۶).

یکی از بارزترین مصادیق آزار روانی زنان در محیط دانشگاه، از بین بردن حرمت و احترام

دانشجویان دختر است. رفتارهای اهانت‌آمیز و پرخاشگرانه از سوی دانشجویان و استادان مرد در نزد هم کلاسی‌ها، می‌تواند شخصیت و کرامت زن را در محیط دانشگاه مخدوش کند و ضمن شکستن غرور و شخصیت وی، عزت نفس او را لگد مال نماید، در حالی که توصیه‌های مؤکد دینی در راستای تقویت و توانمندی زن در محیط دانشگاه و دیگر اماکن آموزشی، به جهت حفظ استحکام بنیان دانشگاه و ممانعت از کجروی‌های اعضای دانشگاه است. (همان، ص ۸۰).

به طور مثال؛ ساختمان پروانه‌ای شکل در ضلع جنوب غربی دانشگاه کابل، مسکن حداقل یک هزار و ۶۰۰ دختر دانشجو است. دانشجویانی که از ولایت‌های دور و نزدیک کشور آمده‌اند و در چهار دانشگاه دولتی درس می‌خوانند اما همه‌شان در این ساختمان چهار طبقه‌ای ظاهراً مدرن، زیر نظر یک مدیر خانم به قول خودشان سختگیر زندگی می‌کنند.

برخی از این دانشجویان در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز از برخورد «دیکتاتورانه» مدیر این خوابگاه، عدم رعایت بهداشت در پخت و پز غذا، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و رفاهی و مشکلات سرویس‌های بهداشتی این خوابگاه شکایت کرده‌اند. شش دانشجویی که با خبرنگار روزنامه اطلاعات روز صحبت کرده، مدعی شده‌اند که «سخت‌گیری» مدیر این خوابگاه در حدی است که جرئت شکایت از او را ندارند و بر پایه همین استدلال خواسته‌اند که در این گزارش هویت‌شان حفظ شود. آن‌ها تأکید کرده‌اند در صورت شکایت از نابسامانی‌های خوابگاه، از سوی مدیر «تحقیق» و «تهدید به اخراج» می‌شوند.

مدیر این خوابگاه بعضی مشکلات را ناشی از کمبود کارکنان می‌داند، اما شکایت‌های این دانشجویان را «توطئه» می‌خواند و می‌گوید که او یک مدیر «صادق» است و فقط قانون را تطبیق می‌کند.

۲-۱-۲. متلک گفتن

زندگی برای زن امروز افغانستان با زن بیست سال گذشته کاملاً تغییر کرده است. گرچه این تغییر سراسری نیست، محدود است و گاهی نمایشی.

آمار و ارقام نیز اثباتی بر بهبود وضعیت است. بیست سال پیش در زمان طالبان هیچ دختری به مکتب یا دانشگاه نمی‌رفت اما اکنون میلیون‌ها دختر در مکاتب و هزاران دختر در دانشگاه مشغول درس خواندن هستند.

شاید تحصیل و باسواد شدن یکی از راه‌های اصلی برای تغییر جامعه باشد. اما زنان افغان تا چه اندازه می‌توانند تحصیل کنند؟

در بسیاری از نقاط افغانستان هنوز هم دختران اگر به مکتب بروند، فقط می‌توانند تحصیلات خود را تا دوره ابتدایی کامل کنند. کمتر خانواده‌ای اجازه می‌دهد دخترش تا پایان مقطع لیسه (دبیرستان) یعنی کلاس دوازدهم درس بخواند. در این بین شماری از دختران به‌خصوص در شهرهای بزرگ شانس می‌یابند که به دانشگاه راه پیدا کنند اما «زن بودن» پیمودن این راه را سخت‌تر می‌کند.

هر چند بر اساس قانون حق انتخاب رشته تحصیلی در امتحان ورودی دانشگاه، هیچ محدودیتی برای زنان افغان در انتخاب رشته وجود ندارد، اما در واقعیت امر، این میدان برای زنان کاملاً باز نیست.

خانواده‌ها و در کنار آن فرهنگ حاکم بر جامعه رشته‌های خاصی را برای دختران مناسب می‌دانند. معلمی در رشته‌های مختلف و پزشکی از رشته‌های مورد علاقه خانواده‌ها برای دختران است. رشته‌هایی که بیشتر با زنان سر و کار داشته باشد و از محیط مردانه دور باشند.

رشته‌هایی مثل مهندسی ساختمان، معدن، برق و در شرایطی حتی سیاست و حقوق و خبرنگاری مردانه محسوب می‌شوند و شمار دانشجویان زن در این رشته‌ها محدود و گاهی انگشت شمار هستند؛ زیرا باور عامه این است که زنان توانمندی ایفای نقش مناسب را در این بخش ندارند و مهندسی، وکیل مدافع شدن، قاضی شدن، خبرنگار یا گوینده رادیو و تلویزیون بودن نقش‌های منفی برای زن است. (میری، درآمد بر قانون منع آزار و اذیت علیه زنان، ص ۷۶).

بر اساس فهرست قبول شدگان در دانشگاه‌های افغانستان در سال ۱۳۹۹، در دیپارتمان انجینری (مهندسی) دانشگاه کابل از بین ۵۰ دانشجوی تازه وارد، تنها هفت نفر زن هستند. دلیل عمده آن متلک گفتن مردان است. به‌استثنای دانشکده‌هایی مثل تربیت معلم که اکثر دانشجویان آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند، در سایر رشته‌های دانشگاهی، صنف‌های (کلاس‌های) درسی با تعداد محدودی از دختران برگزار می‌شود، مخصوصاً در شیفت‌های شبانه تعداد این دختران به‌مراتب کمتر از کلاس‌های روزانه است. مشکلات امنیتی و اجتماعی و خانوادگی دلیل این وضعیت است.

حضور کم رنگ دختران در دانشکده‌های مختلف باعث می‌شود که دختران مرکز توجه استادان و سایر دانشجویان پسر قرار بگیرند؛ آن‌ها کمتر در فعالیت‌های صنفی سهم جدی می‌گیرند، در ساعات بین درسی ترجیح می‌دهند که در صنف باقی بمانند و بیرون نروند. دایره روابط دختران در دانشگاه با پسران محدود است و در گروه‌های دخترانه و پسرانه درس می‌خوانند.

فضای تحصیل بران دختران تنگ می‌شود آن هم وقتی شخصی‌ترین مسائل مثل پوشش دختران، گفتارشان، روابطشان با استاد و دانشجویان پسر مورد توجه دیگران قرار می‌گیرد و سایرین به دنبال گرفتن نقطه ضعف از آنان هستند.

به دلیل متلک گفتن مردان، دختران در محیط دانشگاه مجبور است به خاطر جلب توجه نکردن در دانشگاه و محفوظ ماندن از آزار و اذیت بعضی دانشجویان پسر، لباس‌های بسیار شوخ و رنگی نپوشد. حتی بعضی از استادان در ساعت درسی، دخترها را به خاطر پوشش در کلاس‌ها تحقیر می‌کنند و به آن‌ها متلک می‌گویند.

یکی از مشکلات اساسی دختران در دانشگاه روبرو شدن با برخورد دوگانه استادان است. بعضی از استادان که هنوز هم تعصب و تبعیض بین زن و مرد را مدار برخوردهای خود قرار می‌دهند، سعی می‌کنند با سختگیری و تحت فشار قرار دادن دختران در دوران تحصیل انگیزه آنان را برای ادامه تحصیل کم کرده یا از بین ببرند.

تحمل این تبعیض زمانی سخت‌تر می‌شود که موضوع سوء استفاده‌های جنسی شماری از استادان از دانشجویان دختر به میان می‌آید. به دلیل نظارت نکردن بر تخلفات و هراس دختران از این‌که موقعیت اجتماعی آن‌ها زیر سؤال برود، این معضل کمتر پیگیری یا علنی می‌شود.

سال‌های تحصیل در دانشگاه با همه مشکلاتش برای دختران بالاخره به پایان می‌رسد. یک تعداد ممکن است پیش از فارغ التحصیل شدن، خانه نشین شوند. عده‌ای هم ممکن است که بعد از فراغت به خاطر باورهای جامعه ترجیح بدهند که دیگر به کار یا تحصیل بیشتر فکر نکنند، ولی یک تعداد دیگر هستند که اراده استفاده از حق تحصیل و سندی را که با مشکلات زیاد حاصل کرده‌اند، دارند، بنابراین برای جذب شدن در نهادهای دولتی و غیر دولتی شروع به تلاش می‌کنند. (علامه، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵).

مشکل کاریابی معضلی عام برای مرد و زن در افغانستان است. بعضی کارشناسان جویای

کار می‌گویند کمتر تخصص و تحصیلات یک فرد ملاک است و بیشتر روابط بر ضوابط پیشی می‌گیرد. اما گاهی این مشکل به خاطر زن بودن، بیشتر و سخت‌تر می‌شود. آنجا که بسیاری به این باورند که زن‌ها از عهده بسیاری از کارها برنمی‌آیند یا به دلیل زن بودن و مسائل جانبی چون ازدواج، مادر شدن و محدودیت‌های اجتماعی، آن‌طور که باید نمی‌توانند کار کنند. این باور سبب می‌شود بسیاری از دختران نتوانند پستی را که لایقش هستند به دست آورند. آنچه برای رفع این معضل ضروری است بالابردن سطح آگاهی در مورد برابری جنسیتی زن و مرد است. ایجاد محیط امن کاری و درسی باعث خواهد شد خانواده‌ها به دخترانشان فرصت ادامه تحصیل و کار بدهند.

۲-۱-۳. سخنان رکیک

گاه برخی از استادان و دانشجویان مردان، اذیت و آزار دانشجویان دختر را در دانشگاه‌ها به مرحله بالاتری می‌رسانند و بجای سخنان احترام‌آمیز، از پاره‌ای الفاظ ناشایست، فحاشی و انتساب صفات منفی استفاده می‌کنند تکرار این اعمال موجب می‌شود که به تدریج زن باور کند که در نزد همسر، خویشاوندان و همکاران خویش از چنین شخصیتی برخوردار است که این‌گونه فحاشی و انتساب صفات ناشایسته نوعی از آزار و اذیت زنان می‌باشد. (همان، ص ۸۹) این مسئله در میان دانشجویان پسر بر دانشجویان دختر و استادان به دانشجویان بسیار معمول است در افغانستان مثل در دانشگاه کابل حرف‌های رکیک جزء از فرهنگ گفتار تعدادی از استادان بر دانشجویان دختر است حتی در گفتار امورات درسی نیز از حرف‌های رکیک استفاده می‌نمایند که خود سبب آزار و اذیت دانشجویان می‌گردد.

۲-۲. درخواست‌های نامشروع

بحث «درخواست‌های نامشروع از دانشجویان دختر در دانشگاه از جانب استادان مرد و دانشجویان پسر» از عناوین و موضوعات اخلاق کاربردی است، با توجه به گستردگی زیر مجموعه‌های اخلاق کاربردی، این مسئله را می‌توان از مسائل «اخلاق جنسی» برشمرد. اخلاق «معضلات اخلاقی در روابط زنان و مردان / دختران و پسران» است.

این مسئله به صورت خاص به جوانان مرتبط است. سهم برجسته و تعیین کننده جوانان در جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی و پیشگامی آن‌ها در پذیرش نوآوری به‌ویژه فن‌آوری اطلاعات و

ارتباطات، تحولات در چرخه زندگی، طولانی شدن دوره جوانی، تغییر در تربیت و میزان اهمیت مؤلفه‌های مربوط به گذار از کودکی به بزرگسالی، اهمیت یافتن مصرف و رواج خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های متنوع زندگی، تداوم مشکلات مربوط به شهروندی و ادغام اجتماعی جوانان و آسیب‌پذیری ملی حقوق اجتماعی جوانان، از جمله ادله و زمینه‌هایی‌اند که موضوع جوانی و جوانان را بعنوان مقوله‌ای اجتماعی، زیستی، فرهنگی و سیاسی، به موضوعی محوری و جذاب برای مطالعات دانشگاهی تبدیل ساخته‌اند.

بسیاری از این جوانان، دختران و پسران دانشجویی هستند که حداقل در محیط دانشگاه، مجبورند ارتباط نسبتاً مستمری با جنس مخالف خود داشته باشند. پس از پایان تحصیل نیز دختران بکار در محیط‌های بیرون خانه و حضور در اجتماع علاقه دارند که میزان ارتباط آنان با مردان را افزایش می‌دهد.

در نوع مواجهه با این شرایط معمولاً جوان دچار نوعی تضاد و تنش می‌گردد؛ زیرا از طرفی در جامعه نمی‌توان این دو جنس را کاملاً از هم جدا ساخت و از طرف دیگر ابهام در نحوه ارتباط با جنس مخالف و محدوده آن و نیز تمایل غریزی جوان به جنس مخالف او را دچار سردرگمی کرده است؛ بنابراین، نحوه سامان دهی ارتباطات مزبور متناسب با شرع و آموزه‌های دینی از جمله پرسش‌های اساسی قابل طرح در این باره است.

همچنین مباحثی نظیر معنا، ضرورت و ملاک ارتباط، بیان دیدگاه‌های مختلف در این رابطه و بررسی ادله و نقد آنان قابل طرح و بررسی‌اند؛ از این رو، با توجه به آموزه‌های دین اسلام بررسی بایسته‌ها و نحوه روابط دختران و پسران خصوصاً در محیط‌های دانشگاهی، هم از نظر سلامت فردی و اجتماعی و هم به لحاظ اخلاقی و دینی بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه طبق پژوهش‌های انجام شده آسیب‌های اخلاقی به لحاظ فردی و اجتماعی جامعه جوان ما را به خصوص در محیط دانشگاه تهدید می‌کند روش ما در این تحقیق تلفیقی از هر دو نوع پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است که با بررسی آرای موجود در صدد دستیابی به راهکاری عملی در پرداختن به مسئله مورد نظر است.

۲-۳. تهدید کردن به آزار جسمانی و جنسی

یکی از قدیمی‌ترین تبیین‌های نظری در باب خشونت، نظریه خشونت ذاتی است که رویکرد

گریزی به خشونت دارد و تأکید می‌کند موجودات انسانی برای بروز رفتارهای خشن، از پیش به‌طور ذاتی برنامه‌ریزی شده‌اند. از جمله حامیان این نظریه، زیگموند فروید است. مطابق این تئوری نحوه‌ی انگیزش نیروهای درونی توسط «خود» شکل می‌گیرد. تأکید بر «خود» از آن جهت است که «خود» اولین ساز و کار کنترل در مقابل ظهور انگیزه‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز است. گونداد لورنس (Lorens 1996) دیدگاهی شبیه خشونت ذاتی دارد که منشأ بروز خشونت انسانی را غریزه جنگ طلبی انسان می‌داند. به اعتقاد او این غریزه در طی دوره تکامل انسانی توسعه می‌یابد و علت این امر سودمندی خشونت برای بقای انسان است. در نظریه‌هایی که خشونت را ناشی از تمایلات و خواسته‌های درونی می‌داند، امکان پیشگیری خشونت انسانی وجود ندارد، لذا نفی و نابودی چنین خشونت‌ی امکان‌پذیر نیست و صرفاً این خشونت را می‌توان کانالیزه نمود تا آسیب کمتری به دیگران وارد شود.

نظریه محرومیت - تهاجم: مطابق این نظریه، خشونت از انگیزه‌های بیرونی مانند ناکامی و محرومیت برای آسیب رسانی به دیگران نشأت می‌گیرد. طبق این دیدگاه، ناکامی منجر به برانگیختگی یک سائق در فرد می‌شود که هدف اصلی آن صدمه به شخص یا اشیا است. این نظریه بیان می‌دارد که اعمال منتهی به ایجاد محرومیت، همچون محرکی برای ایجاد خشونت عمل می‌کند و انگیزه فرد را برای خشونت بالا می‌برد. همچنین در این نظریه بیان می‌شود که چنانچه در پی جلوگیری از بروز خشونت ناشی از محرومیت باشید، فقط محل بروز آن تغییر می‌کند. مثلاً متوجه زن یا فرزند می‌شود و مجال ظهور می‌یابد، مگر آنکه محرومیت رفع شود. (روحانی، ۱۳۸۸، صص ۱۷۲، ۱۷۳).

«دالارد» (Dollard - 1939) نیز که از حامیان این نظریه است بیان می‌کند ناکامی همواره به نوعی خشونت منجر می‌شود. اما برخی معتقدند اگر ناکامی قوی باشد و فرد ناکام، محرومیت خود را نامشروع تلقی کند، احتمالاً ناکامی منجر به خشونت می‌شود و اگر چنین نباشد و فرد ناکام تا حدی ناکامی خود را مشروع بداند، ناکامی تأثیر اندکی بر خشونت دارد «دالارد» بیان می‌کند فرد ناکام به هر شیء یا انسانی که در نظر او علت ناکامی‌های او باشد، حمله کرده و رفتار خشن نثار او می‌کند و اگر نتواند آسیب جسمی به او بزند، او را آماج آسیب‌های روحی می‌کند. نظریه نیازهای انسانی: انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خود دارای اهدافی هستند که قصد دارند

این اهداف محقق شوند، بدین منظور میزان دسترسی به هدف را محاسبه می‌نمایند و سپس برای رسیدن به آن، اقدامات و رفتارهایی را انجام می‌دهند. اما متأسفانه برخی اشخاص برای دستیابی به هدف خود، از راهبرد خشونت استفاده می‌کنند. زمینه‌های وقوع خشونت عبارتند از:

- حساسیت زیاد و عکس‌العمل فرد نسبت به محرک‌های بیرونی؛
- افزایش میزان محرک‌ها و فعالیت عواطف خاص و عدم تحمل ناکامی؛
- ارزیابی فرد از معضلات اجتماعی همچون بی‌عدالتی (من باید فلان چیز را داشته باشم).
- این توقعات فزاینده، زمینه خشونت را فراهم می‌کند؛
- تلاش فرد جهت تطبیق با وضعیت ظاهراً مطلوب.

به‌طور نمونه زمانی که فرد احساس کند از سوی دیگران مورد بی‌توجهی واقع شده، یا از نگاه دیگران، فرد خارجی به حساب می‌آید... این شرایط (محرک‌ها) منجر به ناکامی و خشونت می‌شود یا زمانی که فردی از سوی دیگران فاقد جذابیت، نالایق و دارای منزلت پایین محسوب شود، احتمال بیشتری دارد که جهت تعاملات اجتماعی از ابزار خشم استفاده کند.

نظریه تحریک: در این نظریه بیان می‌شود که فرد قربانی خشونت، زمینه ظهور خشونت را فراهم می‌کند. به‌طور مثال خشونت جنسی علیه زنان از طریق عدم پوشش مناسب، عدم رعایت نکات اخلاقی در رفت و آمدها، عدم رعایت حیا و عفاف در جامعه و تحریک جنس مذکر نسبت به جنس مؤنث به وجود می‌آید و نهایتاً عدم دستیابی مشروع و قانونی به جنس مؤنث و احساس ناکامی در این مورد، منجر به بروز رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود.

یا به‌طور نمونه زمانی که زن، همسرش را فاقد توانایی خطاب می‌کند و یا مدام لجبازی می‌نماید و یا انعطاف لازم را در زندگی خانوادگی نشان نمی‌دهد، در واقع او را تحریک به خشونت کرده و زمینه خشم و پرخاشگری را فراهم می‌سازد. البته این بدین معنا نیست که رفتار خشونت‌آمیز مرد در خانواده، توجیه شود، زیرا نفس رفتار خشن به هر دلیل ناصحیح است.

- نبود امنیت و ضعف حاکمیت دولت در ولسوالی‌ها و ولایات؛
- عدم برخورد قاطعانه با مجرمین و تداوم فرهنگ معافیت از مجازات؛
- فساد اداری و سوءاستفاده از موقف وظیفوی؛
- دخالت افراد متنفذ در امر رسیدگی به قضایا و حل و فصل قضایای آزار و اذیت زنان توسط

مراجع غیر رسمی؛

- کتمان جرایم و عدم مراجعه قربانیان به مراجع عدلی و قضایی به دلیل ترس و بی‌اعتمادی نسبت به ترجمان‌های دولتی؛
- دسترسی محدود زنان به عدالت محاکم، سارنوالی‌های منع آزار و اذیت زن، توقیف خانه‌های زنانه و وکلای مدافع.
- وجود اسلحه غیر قانونی نزد افراد و گروه‌های مسلح غیر مسئول؛
- عدم حمایت لازم از قربانیان آزار و اذیت زنان در افغانستان؛
- نگرش منفی نسبت به زنان در سنت‌های مرد سالار جامعه؛
- تجویز آزار و اذیت زنان در نگرش منفی نسبت به زنان و الگوهای آزار و اذیت پرور رفتاری با زنان؛
- نگرش غالب جنسی نسبت به زنان در افغانستان؛
- کتمان وقایع آزار و اذیت زنان به دلیل حساسیت‌های سنتی در افغانستان؛
- بی‌سوادی و سطح پایین آگاهی‌های عمومی؛
- فقر و بی‌کاری؛
- افزایش اعتیاد به مواد مخدر.^۱

یعنی علل و عوامل مؤثر در بروز آزار و اذیت زنان با توجه به نمونه آماری و نتایج به دست آمده کمیسیون مستقل حقوق بشر عبارتند از:

۱. بی‌سوادی: بعنوان یکی از عوامل وقوع آزار و اذیت زنان به شمار می‌رود. تحقیقات نشان می‌دهد که آزار و اذیت زنان در میان افراد بی‌سوادی یا کم‌سوادی بیشتر اتفاق می‌افتد. یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۸ نیز این مسئله را تأیید می‌کند. چنانچه حدود ۶۰ درصد از موارد آزار و اذیت زنان در سال مورد نظر توسط افراد بی‌سوادی اتفاق افتاده است. بنابراین، می‌توان بی‌سوادی را بعنوان یکی از عوامل مؤثر

۱. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، «خلاصه گزارش سالانه آزار و اذیت علیه زنان - عوامل، زمینه‌ها و وضعیت آزار و اذیت علیه زنان در افغانستان سال مالی ۱۳۸۹»، ص ۱۰

در شیوع آزار و اذیت زنان دانست. این داده‌ها نشان می‌دهد افرادی که از سواد نسبی برخوردارند نیز در ارتکاب آزار و اذیت زنان نقش داشته‌اند، بر اساس این یافته‌ها ۶۰ درصد از مرتکبان آزار و اذیت زنان از سواد ابتدایی و متوسط برخوردار بوده‌اند.

۲. اعتیاد: یافته‌های سال ۱۳۹۸ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در زمینه آزار و اذیت زنان نشان می‌دهد که عاملین بیش از ۲۱ درصد مجموع قضایای آزار و اذیت زنان معتاد بوده‌اند.

۲-۴. آزار و اذیت رفتاری

در این مبحث به بررسی آزار و اذیت رفتاری زنان در محیط دانشگاه پرداخته شده است.

۲-۴-۱. زدن

این نوع از آزار و اذیت اغلب در محیط دانشگاه مشاهده می‌شود که مردها دارای تسلط و قدرت خود مختار است. در صنف‌های درسی و محیط دانشگاه، مرد نقش اصلی را ایفا می‌کند و مرد سالاری صد درصد حاکم بوده و مردها توقع دارد که دانشجویان دختر، تصمیمات وی را پذیرفته و به آن احترام گذارند، همچنین در مواردی که زن احساس می‌کند دستورات و تصمیمات استادان مرد و دانشجویان پسر را گوش نمی‌دهند و یا به آن بی‌توجهی می‌کنند این عمل نادرست پنداشته شده زن‌ها مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. مردها و همواره خواسته‌هایش توسط هم کلاسی‌های دختر نقض می‌گردد، و اگر در مقابل تصمیمات نادرست استادان مرد و دانشجویان پسر ایستادگی کنند از جانب مردان مورد لت و کوب قرار می‌گیرند.

خشونت فیزیکی شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان در محیط دانشگاه به شمار می‌رود. این نوع از خشونت، قربانی را به صورت جسمی آسیب می‌رساند. این دسته از خشونت به هرگونه رفتار غیر اجتماعی اطلاق می‌گردد که ممکن است از لمس کردن بدن زن آغاز شده و گاهی تا مرحله آزار و اذیت جسمی زن به پیش می‌رود. اما آنچه در قانون منع خشونت علیه زنان بعنوان مصادیق از آزار و اذیت زنان آمده است که عبارت‌اند از: لت و کوب، آتش زدن و یا استعمال مواد کیمیایی و سایر مواد خطرناک، مجروح و معلول کردن، آزار جنسی، کار اجباری از مصادیق رفتار خشونت آمیز، خشونت جسمی و لت و کوب زنان گسترده‌ترین نوع خشونت علیه زنان را تشکیل می‌دهد.

۲-۴-۲. دست‌اندازی

آزار و اذیت زنان در افغانستان محدود به شیوه‌های یادشده فوق نمی‌باشند، بلکه موارد دیگر آزار و اذیت نیز وجود دارد که ریشه‌های آن را در فرهنگ و الگوهای فرهنگی جامعه می‌توانیم جستجو نماییم که از آن جمله دست‌زدن یا دست‌اندازی کاری معمول است که در صنف‌های درسی و محیط دانشگاه‌ها هر روز به صدها بار اتفاق می‌افتد که این کار تبدیل به فرهنگ شده و از سوی طرفین جدی گرفته نمی‌شود. حق تعلیم و آموزش، حق ازدواج و حق دسترسی به تسهیلات صحتی از جمله حقوق اساسی افراد است که زنان و اطفال واجد شرایط در افغانستان هنوز هم بنا بر دلایلی از آن محروم‌اند. امروزه یکی از عوامل مهم ترک تحصیل دختران آزار و اذیت است که در محیط دانشگاه بر دانشجویان دختر از سوی استادان مرد و دانشجویان پسر روا داشته می‌شود و از آن‌ها قربانی می‌گیرد.

۲-۴-۳. تجاوز

خشونت جنسی یکی از جدی‌ترین مشکلات زنان در محیط دانشگاه در کشور است. زنان و دختران زیادی هر ساله قربانی این جنایت وحشیانه می‌گردند. با وجود آنکه آمارهای موجود از خشونت جنسی بسیار نگران‌کننده است و هر از گاهی مواردی از این گونه قضایا در رسانه‌ها نیز منتشر می‌شود، ولی این آمارها رقم واقعی این معضل را نشان نمی‌دهد، زیرا مسائل جنسی در بستر سنت‌های جامعه افغانی، حالت تابویی دارد و پرداختن به آن‌ها کراهت آور قلمداد می‌شود. آزار و اذیت جنسی در محیط دانشگاه به شیوه‌های مختلف همچون تجاوز جنسی، روابط نامعمول جنسی، توهین و تحقیر و بی‌حرمتی جنسی و روسپیگری اجباری، سقط جنین اجباری و غیره اتفاق می‌افتد. تجاوز جنسی از موارد بسیار حاد و نگران‌کننده آزار و اذیت جنسی زنان در محیط دانشگاه در افغانستان است.

متأسفانه تجاوز جنسی نه تنها باعث جراحات مستقیم جسمی بلکه موجب آسیب‌های روانی از قبیل افسردگی، خطر مبتلا شدن به ایدز و بارداری ناخواسته نیز می‌شود. خشونت جنسی موضوع بسیار حساسیت برانگیز در جامعه افغانی است. زنانی که صدایشان را در مورد تجاوز جنسی بلند نمایند به خطرات و تهدیدهایی همچون لکه بد نامی، طرد شدن از دانشگاه، محرومیت از حقوق اجتماعی و اقتصادی مواجه شده و در معرض تخطی‌های بیشتر حقوق بشری و وخامت صحتی قرار می‌گیرند.

۲-۴-۴. لمس کردن

لمس کردن دختران دانشجو به بهانه‌های مختلف در محیط دانشگاه و صنف‌های درسی از سوی استادان مرد و دانشجویان پسر چیزی معمولی است. این‌گونه قضایا هرروز اتفاق می‌افتد دانشجویان پسر به بهانه‌های مختلف تلاش می‌کنند تا به هم‌صنفی‌های خود نزدیک شود و بهانه کار خانگی، فعالیت صنفی، مطالعه گروهی و... مرتکب لمس دختران می‌گردد.

لمس کردن دختران نه تنها از سوی هم‌صنفی‌های پسرشان بلکه از جانب استادان و خدمتکاران نیز صورت می‌گیرد. استادان معمولاً برای حل مشکلات درسی، دیدن کارها و فعالیت‌های صنفی، حرف زدن و موارد متعدد دیگر زمینه را برای لمس دانشجویان دختر فراهم می‌نماید و این عمل را مرتکب می‌گردند.

۲-۴-۵. عکس و فیلم گرفتن مخفیانه

عکس گرفتن و فیلم گرفتن مخفیانه از دختران عمل است که در سال‌های اخیر با وجود تکنولوژی موبایل توسط دانشجویان مرد از دانشجویان دختر کاری ساده است. با تأسف این کار مشکلات زیادی را برای دانشجویان دختر خلق کرده است حتی در بسیاری از موارد منجر به ترک تحصیل دختران گردیده است.

دانشجویان پسر، استادان مرد یا خدمتکاران مرد دانشگاه حتی دانشجویان دختر از همدیگر در بسیاری از موارد دیده شده است که عکس یا فیلم به صورت مخفیانه گرفته است و با استفاده از آن از دختران باج‌گیری می‌نمایند و آن‌ها را وادار به اعمال گوناگون می‌نمایند. در صورتی که جلوی این کار از جانب وزارت خانه‌های مربوط و ادارات امنیتی دانشگاه‌ها گرفته نشود عواقب و مشکلات زیادی را برای دختران دانشجو به وجود می‌آورند.

۲-۵. آزار و اذیت روانی

در این گفتار به بررسی آزار و اذیت روانی زنان در محیط دانشگاه پرداخته شده است.

۲-۵-۱. ارسال پیامک

ارسال پیام آزار و اذیتی است که در همه جای این کشور از محیط دانشگاه گرفته تا مکتب و سطوح مختلف اجتماع به صدها بار اتفاق می‌افتد. این عمل که نوع از آزار و اذیت زنان است

توسط اشخاص مختلف از استادان، دانشجویان، رانندگان حمل‌محصّلین، دکانداران و گرفته تا خواهرخوانده‌ها و هم‌کلاسی‌های دخترها انجام می‌شود و باعث آزار رسانیدن به دانشجویان زن در دانشگاه‌ها و محیط بیرون از دانشگاه گردیده و منجر به تهدیدها، سوء استفاده‌ها و اعمال ناشایسته می‌گردد.

۲-۵-۲. تلفن زدن

تلفن زدن نیز نوع دیگر از آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاه است که همواره از جانب افراد که در محیط زنان چه در محیط دانشگاه، صنف درسی، موترهای حمله، کافه شاپ‌ها، دوکان، کتابخانه و سالون مطالعه، ادارات پوهنتون، پیاده‌روها و... از جانب اشخاص مختلف این نوع از آزار و اذیت اعمال می‌گردد که آسیب‌های گوناگونی را برای دانشجویان دختر به وجود می‌آورد.

۲-۵-۳. نشان دادن عکس‌های نامناسب

نشان دادن عکس‌های نامناسب نوع دیگری از آزار و اذیت زن‌ها در محیط دانشگاه‌ها است که از سوی اشخاص مختلف انجام می‌شود و به بهانه‌های گوناگون زمینه‌سازی می‌شود تا برای دانشجویان دختر از طرف هم‌کلاسی‌هایش، دوستان و استادانش عکس‌های نامناسب برایشان نشان داده می‌شود که باعث آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاه می‌شود.

۲-۵-۴. چشم‌چرانی

چشم‌چرانی یک امر معمول و روزمره است که با تأسف در محیط دانشگاه و اکثر از نقاط زن‌ها از این پدیده (چشم‌چرانی) در امان نمی‌باشند. این فرهنگ بد نه تنها در محیط دانشگاه یا سرک و خیابان بلکه در نقطه نقطه این سرزمین زنان از چشم‌چرانی مردان به تنگ آمده است از صنف درسی گرفته تا ادارات دانشگاه، محیط دانشگاه، موتر، سرک، دوکان، کتابخانه، کافه شاپ و... حتی در منازل این اتفاق می‌افتد و زنان قربانی چشم‌چرانی‌های مردان می‌گردد.

۲-۵-۵. جوک‌های نامناسب فرستادن

جوک‌های نامناسب فرستادن نوع دیگری از آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاه‌های افغانستان است. بعنوان دوست، هم‌صنفی، استاد، همکار، هم‌اتاقی و... این نوع از آزار و اذیت توسط مردان بر زنان اعمال می‌گردد.

۲-۵-۶. ارسال کلیپ یا عکس‌های نامناسب

ارسال کلیپ یا عکس‌های نامناسب نوع دیگری از آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاه و بیرون از محیط دانشگاه صورت می‌گیرد و تبدیل به فرهنگ شده است که از کنار آن به‌سادگی می‌گذرند در حال که موجب آزار و اذیت زنان می‌گردد.

این عمل معمولاً توسط دوستان و هم‌صنفی‌ها و استادان در محیط دانشگاه و بیرون از دانشگاه صورت می‌گیرد زیرا شماره یا آدرس مسنجر، واتساپ و... زنان نزد آن‌ها است و از مسئله استفاده سوء کرده کلیپ‌ها و عکس‌های نامناسب به آن‌ها ارسال می‌نمایند.

۳. تدابیر پیشگیرانه از آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاهی

قانون مورد بحث، اولین قانونی است که به رویکرد پیشگیری و اقدامات غیر قهر آمیز برای جلوگیری از رخداد آزار و اذیت زنان پرداخته است. این اقدامات، دارای دو گونه بازخورد «واکنش مدار» و «کنش گر» اند. در رابطه با اقدامات پیشگیرانه و غیر قهر آمیز واکنش مدار، در این قانون آمده است:

۱) «مجنی علیه آزار و اذیت، خود یا اقارب وی می‌توانند به ادارات پلیس و حقوق، محاکم یا سایر مراجع ذی‌ربط به‌طور کتبی شکایت نمایند.

۲) ادارات مندرج فقره (۱) این ماده مکلف‌اند، شکایت واصله را ثبت و مطابق احکام قانون، آن را رسیدگی کرده و وزارت امور زنان را به‌طور کتبی مطلع سازند.

۳) وزارت امور زنان مکلف است بعد از کسب اطلاع کتبی یا شکایت مستقیم مجنی علیه آزار و اذیت یا اقاربش جهت تأمین ارتباط با مجنی علیه‌ای آزار و اذیت، تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نماید.

۴) سارنوالی و محکمه مکلف‌اند قضیه آزار و اذیت را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت، رسیدگی کنند.

۵) مسئولان مراجع مندرج فقره (۱) این ماده مکلف‌اند حین رسیدگی شکایت واصله، طرز العمل سلوک خاص را که بدین منظور از طرف کمیسیون منع آزار و اذیت وضع می‌شود، رعایت نمایند.» (قانون منع آزار و اذیت علیه زن، ماده ۷).

این قانون در راستای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی با تکیه بر اقدامات پیشگیرانه (بزه‌دیده‌شناسی

حمایتی کنشگر)، تدابیر مشخص عملی را در دستور کار برخی وزارتخانه‌ها قرار می‌دهد. این وزارت خانه‌ها از جمله نهادهای دولتی هستند که به نحوی با موضوع مبارزه با آزار و اذیت زنان، درگیر و مرتبط‌اند. این اقدامات می‌تواند در زمینه آگاهی بخشی جامعه از عوامل و عواقب آزار و اذیت زنان، تأثیرگذار باشد و از این دریچه تدابیر کنشگر و غیر قهرآمیز پیشگیرانه برای حمایت از زنانی که قربانیان احتمالی آزار و اذیت‌اند روی دست گرفته شود. در ذیل به وظایف این وزارت خانه‌ها اشاره می‌شود؛

۳-۱. وزارت تحصیلات عالی

وزارت تحصیلات عالی وظیفه دارد تا از پالیسی منع تبعیض، آزار و اذیت جنسی حمایت نموده و از تطبیق آن نظارت نمایند. وزارت تحصیلات عالی لایه موجود نظم را در پرتو تعهدات مندرج این پالیسی و تعهدات جدید تجدید نظر می‌نماید. ضمناً این وزارت از نهادهای تحصیلات عالی کشور مطالبه خواهد نمود تا به صورت منظم گزارش اجراآت خویش را طبق تقاضاهای این سند ارائه نمایند و اطمینان دهند تا تعهدات مذکور به تطبیق قرار گیرند وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی بعنوان دو وزارتخانه که وظیفه تعلیم و تحصیل را به عهده دارند، نقش اصلی را در محور فرهنگ آزار و اذیت و ایجاد فرهنگ تعامل و گفتگو در خانواده و اجتماع را دارند.

آموزش و پرورش می‌تواند با برنامه درست و دقیق، ضمن حذف مضامین تبعیض‌آمیز و آزار و اذیت‌زا از مضامین درسی مکاتب و دانشگاه‌ها، عوامل و عواقب آزار و اذیت‌ها به‌ویژه آزار و اذیت زنان را به متعلمان و محصلان آموزش دهد. دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله افغانستان، وظیفه دارند آموزش و پرورش را به‌گونه‌ای پایه‌ریزی و برنامه‌ریزی کنند که هدف آن، رشد شخصیت انسانی و احساس حیثیت و کرامت و تقویت احترام به همه انسان‌ها و تثبیت روحیه تسامح و تساهل و تحکیم دوستی بین انسان‌ها باشد. (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳).

با توجه با این نقش بی‌بدیل، این دو وزارتخانه موظف شده‌اند تا اقدامات ذیل را اتخاذ کنند: یک. «گنجاندن موضوعات مربوط به آزار و اذیت و عواقب ناشی از آن و چگونگی جلوگیری از آزار و اذیت در نصاب درسی و تحصیلی مربوط.

دو. تدویر سمینارها، ورکشاپ‌ها و کنفرانس‌ها برای کارکنان، متعلمین و محصلین مربوط.

سه. اتخاذ تدابیر لازم به منظور جلوگیری از وقوع آزار و اذیت در محیط تعلیمی و تحصیلی مربوط.

چهار. توضیح و تشریح عوامل آزار و اذیت و عواقب ناشی از آن مستند به احکام شرع و قانون از طریق نشرات مربوط. «(قانون منع آزار و اذیت علیه زن، ماده ۱۰).

الف) پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی

مقامات، کارمندان اداری و کادرهای علمی پوهنتون‌ها باید از پالیسی منع تبعیض، آزار و اذیت جنسی حمایت کرده و از تطبیق آن نظارت نمایند. این پالیسی تعهدی است لازم الاجرا میان تمام کارمندان اداری، کادرهای علمی و محصلان در مواقع که آن‌ها نمونه‌های تخطی از این پالیسی را مشاهده کنند و یا خودشان شکار آزار و اذیت جنسی و تبعیض قرار گیرند. هر شخصی در پوهنتون مسئولیت دارد تا در ایجاد یک تبعیض می‌شوند، یاری برسانند. اطلاع دهی به موقع توسط هر شخص ناظر و یا مصدوم به مراجع مربوط به شمول مسئولین دیپارتمنت، پوهنچی و نهاد تحصیلات عالی یکی از مسئولیت‌های مهم تلقی می‌گردد. (پالیسی وزارت تحصیلات عالی به منظور کاهش آزار و اذیت زنان، ۱۳۹۹، ص ۴).

ب) آمریت جندر

آمر جندر باید کارمند پوهنتون باشد و تمام گزارشات و شکایات مربوطه به آزار و اذیت جنسی و تبعیض را دریافت نموده و آن‌ها را طی مراحل نموده و مراجع ذی ربط را در رابطه به آن آگاهی دهد و از ایشان درخواست اتخاذ تدابیر لازمه (مشورتی، تأدیبی و قانونی) را نموده و حمایت مسئولین مربوط را جلب نماید. مسئول جندر باید برنامه‌های آگاهی دهی در رابط به این پالیسی را دایر نماید.

ج) کمیته شکایات

وزارت تحصیلات عالی وظیفه دارد تا کمیته‌های شکایات را در سطح وزارت، پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی تشکیل دهد که هر کمیته باید متشکل از شش عضو باشد. در این کمیته نماینده‌های محصلان و استادان شامل می‌باشند. کمیته وظیفه دارد تا برای ثبت، تعقیب، حل مشکلات، در صورت ضرورت ارجاع وارد به مراجع ذی ربط نهاد تحصیلی طرز العمل مؤثر و شفافی را تدوین نماید. کمیته مذکور قضایای آزار و اذیت جنسی و تبعیض را در

همکاری با مسئول بخش جندر پوهنتون مربوطه تسلیم خواهد کرد که شامل شکایت شخص متضرر و اظهارات شخص متهم و شاهدان قضیه است (همان، ص ۴).

د) اتهام بی‌اساس

بسیار از قضایای بسیار از قضایای آزار و اذیت جنسی و تبعیض بدون دلایل اثباتی‌اند و این امر نباید منتج به عدم گزارش دهی یا ترس از درج شکایات آزار و اذیت جنسی و تبعیض گردد. جهت مبارزه با این مشکل، شخص متضرر باید شکایت خود را به آمر جندر راجع و آن را ثبت نماید. هر تهمت بی‌اساس مطابق به قوانین پیگیری خواهد شد.

ه) اتخاذ تدابیر لازم در مراحل مختلف تبعیض، آزار و اذیت جنسی

۱- تدابیر وقایوی (قبل از آزار و اذیت جنسی)

- گنجاندن دروس و مباحث مشخص در رابط به ضرورت مبارزه با آزار و اذیت جنسی در کریکولم‌ها فعالیت‌های بیرون کریکولم نهادهای تحصیلات عالی برای زنان و مردان.
- تقویت برخوردهای مسئولانه در روابط اجتماعی در وزارت تحصیلات، پوهنتون‌ها و نهادهای تحصیلی به شمول روش‌های پیشگیری از آزارهای جنسی.
- گسترش همکاری و هماهنگی میان تمام شرکا به شمول نهادهای دولتی، غیر دولتی، فعالان جامعه مدنی، رسانه‌ها، رهبران مذهبی، جوانان و سایر گروه‌ها برای منع خشونت علیه زنان.
- آموزش و گسترش آگاهی و مهارت در ایجاد روابط سالم و بر مبنای احترام به تساوی جنسیتی در میان محصلان، استادان، کارمندان و کادرهای علمی.
- افزایش نقش رسانه‌ها در نکوهش خشونت علیه زنان و ترویج فرهنگ احترام به کرامت انسانی زنان و مردان. (پالیسی وزارت تحصیلات عالی به منظور کاهش آزار و اذیت زنان، ۱۳۹۹، ص ۵).

۲- تدابیر اصلاحی (در جریان آزار و اذیت جنسی)

ایجاد مکانیزم عملی جهت پیگیری فیصله‌های کمیته شکایات برای منع تبعیض، آزار و اذیت جنسی ارائه خدمات عاجل و با کیفیت مشورتی در رابط به جلوگیری از آزار و اذیت جنسی.

۳- تدابیر حقوقی و قانونی (بعد از وقوع)

- حصول اطمینان از دسترس داشتن به مساعدت‌های حقوقی.
- تقویت دسترسی به عدالت.
- تقویت مکانیزم‌ها و نهادهای پالیسی‌ساز در وزارت تحصیلات عالی بر مبنای اصول و ارزش‌های منع تبعیض، آزار و اذیت جنسی علیه زنان.

و) ظرفیت سازی:

- ایجاد برنامه‌های معین تحصیلی (لیسانس و ماستری) پیرامون جنسیت، برابری و صحت روانی؛
- ظرفیت‌سازی و تقویت نهادهای پالیسی‌ساز در وزارت تحصیلات عالی جهت رعایت و در نظر گرفتن اصول و ارزش‌های منع تبعیض، آزار و اذیت جنسی علیه زنان.
- تقویت و انکشاف کریکولم‌ها در نهادهای تحصیلی برای تغییر سلوک و روش‌های فردی، آکادمیک و اجتماعی محصلان با استفاده از روش‌های تدریسی. (پالیسی وزارت تحصیلات عالی به منظور کاهش آزار و اذیت زنان، ۱۳۹۹، ص ۶).

ز) بررسی نظارت و ارزیابی

تطبیق پالیسی منع تبعیض و آزار و اذیت جنسی علیه زنان به صورت دوام دار و منظم مورد بررسی، نظارت و ارزیابی قرار خواهد گرفت، به طور کل کمیته‌های شکایات منع تبعیض آزار و اذیت جنسی در وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون‌ها مسئولیت نظارت از فعالیت‌ها و عملکردهای ذی ربط را به عهده دارد.

بر علاوه وزارت تحصیلات عالی به صورت دوره‌ای از اجراات و عملکردهای کمیته‌های شکایات با استفاده از روش‌های ذیل نظارت می‌نماید.

- تدویر جلسات ربع‌وار و سالانه با تمام کمیته‌های شکایات و آمریت جندر.
- تهیه گزارش ماهوار، ربع‌وار و سالانه از اجراات، فعالیت‌ها و دستاوردها.

۲-۳. وظایف وزارت امور زنان

وزارت امور زنان بعنوان وزارتخانه‌ای که فلسفه وجودی آن، ایجاد پالیسی‌های مفید و مؤثر برای

پیشبرد امور زنان و توسعه حقوق و جایگاه شایسته زنان است می‌تواند بیشترین نقش را در این ارتباط داشته باشد. به همین دلیل در این قانون برای این وزارت، تکالیف مشخصی در نظر گرفته شده است. در این قانون آمده است:

«وزارت خانه امور زنان مکلف است به‌منظور جلوگیری از آزار و اذیت زنان، به همکاری سایر وزارت‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات ذی‌ربط، تدابیر پیشگیرانه و حمایتی ذیل را اتخاذ کند:

یک. انسجام فعالیت‌های ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات عرضه‌کننده خدمات در عرصه جلوگیری از آزار و اذیت و تأمین هماهنگی میان آن‌ها.

دو. بلند بردن سطح آگاهی مرد و زن از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آن‌ها. سه. فراهم کردن زمینه حفاظت و نگهداری مجنی‌علیه‌ای آزار و اذیت یا معروض به آن در مرکز حمایتی یا در صورت نبود در سایر محلات مصون مربوط، نظارت و واریسی از آن.

چهار. تدویر سمینارها، ورکشاپ‌ها، کنفرانس‌ها و سایر برنامه‌های آموزشی جهت بلند بردن سطح آگاهی عامه و شناسایی موارد آزار و اذیت و عواقب ناشی از آن برای کارکنان ادارات دولتی و غیردولتی، مؤسسات، ساکنین محلات و روستاها و دریافت راه‌حل‌ها.

پنج. توضیح و تشریح عوامل آزار و اذیت و عواقب ناشی از آن، مستند به احکام شرع و قانون از طریق نشرات مربوط.

شش. حصول اطمینان از تطبیق برنامه‌های آموزشی و ظرفیت کاری ادارات غیر دولتی و مؤسسات ذی‌ربط.» (قانون منع آزار و اذیت علیه زن، ماده ۸).

۳-۳. وظایف وزارت عدلیه

اعمال آزار و اذیت به‌ویژه علیه زنان در مراکز توقیف، حجز و حبس یا عدم امکان دسترسی زنان به مراکز دادرسی یا عدم برخورداری آنان از حمایت‌ها و مساعدت‌های حقوقی، مشکلات دیگری است که متأسفانه زنان با آن مواجه‌اند. (علی‌رضا روحانی، پیشین، ص ۱۸۱) برای کاهش این‌گونه مشکلات، به‌ویژه فراهم سازی مساعدت‌های حقوقی لازم برای قربانیان آزار و اذیت، وزارت عدلیه مکلف شده است تدابیر پیشگیرانه و حمایتی ذیل را اتخاذ کند:

«بلند بردن سطح آگاهی زن و مرد از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آن‌ها.

فراهم کردن زمینه توضیح و تشریح مطالب مربوط به عوامل آزار و اذیت و عواقب ناشی از آن برای مردان و زنان تحت توقیف، حجز و حبس از طریق مسئولین مربوط و سایر سازمان‌های اجتماعی ذی‌ربط.

تدویر سمینارها و ورکشاپ‌ها جهت آگاهی کارکنان ادارات حقوق و مساعدت‌های حقوقی از احکام این قانون و فراهم کردن زمینه تطبیق بهتر آن.

توظیف مساعد حقوقی در صورت تقاضای مجنی‌علیه‌ای آزار و اذیت. «(قانون منع آزار و اذیت علیه زن، ماده ۱۲)^۱

۳-۴. وظایف وزارت امور داخله

وزارت داخله بعنوان نهادی که مکلفیت تأمین نظم داخلی را در ساختار اجتماعی دارد نیز در راستای امحاء آزار و اذیت علیه زنان، نقش اثرگذار دارد. تأمین امنیت و ایجاد محیط امن و مناسب محلات عمومی برای زنان از دیگر اقدامات ضروری است که باید به‌منظور مبارزه با آزار و اذیت زنان در محلات عمومی به‌ویژه آزار و اذیت‌های زبانی و روانی از سوی این وزارتخانه، اتخاذ شود. بدین منظور در این قانون آمده است:

«وزارت امور داخله مکلف است به‌منظور جلوگیری از آزار و اذیت در تمام محلات عامه تدابیر حمایتی را اتخاذ و عملی نماید.» (همان، ماده ۱۳).

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های جرم‌شناختی و بزه دیده شناختی زنان همواره از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند که به دلیل ویژگی‌های خاص زیستی، روانی و اجتماعی از جمله ضعف جسمی، ناتوانی و سایر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر از دیگران در معرض آزار و اذیت هستند. آزار و اذیت دختران در نهادهای تحصیلی یکی از چالش‌های اصلی برای تحصیل زنان در جامعه سنتی افغانستان است. آزار و اذیت زنان و بزه دیده واقع شدن آنان، به دلیل نقش چندگانه زنان در خانواده و جامعه علاوه بر آثار مخربی که بر زنان دارد می‌تواند کل اعضای خانواده و حتی جامعه را درگیر

۱. بر اساس ماده ۳۱ قانون اساسی افغانستان، دولت مکلف است برای اشخاص بی‌بضاعت، مساعدت‌های حقوقی لازم را فراهم کند. این وظیفه، در سال ۱۳۸۸ از سترو محکمه به وزارت عدلیه واگذار شد.

کند. اگرچه میزان بزه‌کاری و بزه‌دیدگی زنان نسبت به مردان کمتر است اما به دلیل وجود برخی ویژگی‌ها در زنان میزان بزه‌دیدگی آنان در بعضی جرایم بیشتر است.

به همین دلیل این گروه آسیب‌پذیر نیازمند حمایت ویژه هستند. یکی از روش‌ها برای حمایت از این قشر آسیب‌پذیر به کار بستن تدابیر پیشگیری وضعی است که با اتخاذ تدابیر و راهکارهای پیشگیری وضعی می‌توان زنان را مستقیماً یا غیرمستقیم از اینکه آماج خوبی برای مجرمان باشد محافظت کنیم. مانند کاهش حضور در مکان‌های جرم‌زا و خطر خیز یکی از روش‌های مطرح شده در این مقاله بوده، یعنی بعضی مکان‌ها از جمله مکان‌های تاریک، حاشیه دانشگاه‌ها و صنف‌ها زمینه و فرصت مناسب برای بزه‌دیدگی را مهیا می‌سازند که می‌توان با خودداری از رفت و آمد به این مکان‌ها جلوی بزه‌دیدگی را گرفت. و همین‌طور با ایجاد مراکز و نهادهای ویژه زنان که یکی از این مراکز ایجاد پلیس ویژه زن است و در اکثر جوامع، افکاری مرد سالارانه حاکم است که می‌تواند مانعی برای حمایت‌های پیشگیرانه از زنان باشد.

به دلیل اینکه خیلی وقت‌ها زنان بزه دیده نمی‌توانند بزه‌دیدگی خود را خصوصاً در آزار و اذیت‌های جنسی و مسائل مربوط به آن را با پلیس مرد در میان بگذارد و مردان پلیس نیز نمی‌توانند زنان را به خوبی درک کنند و با آن‌ها همدردی کنند و برخورد شایسته‌ای را داشته باشند استفاده از پلیس زن می‌تواند راه‌حلی مناسب برای جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد زنان باشد. زنان پلیس به دلیل هم‌جنس بودن می‌توانند همدردی بیشتری با زنان بزه دیده آزار و اذیت داشته باشند. بنابراین، به کارگیری پلیس زن متعهد و متخصص به پیشگیری از جرایم علیه زنان منجر می‌شود... از آنجایی که سبک و شیوه زندگی زنان عاملی برای تجربه کردن آزار و اذیت زنان می‌باشد. سبک زندگی بعضی از زنان برای مثال زنانی که بیشتر از دیگران در بیرون از خانه‌ها هستند یا در مجاورت بزه‌کاران هستند آنان را بیشتر در معرض آزار و اذیت قرار می‌دهد.

روش‌های پیشگیری وضعی برخلاف ایرادات وارد شده به آن جامع و فراگیر هستند؛ اما ذکر این نکته ضروری است که اقدامات پیشگیری وضعی به تنهایی برای حمایت از زنان کارآمد نیست و پیشگیری وضعی نفی‌کننده سایر دیگر پیشگیری‌ها حتی کیفری نیست بلکه در کنار سایر پیشگیری‌ها از جمله پیشگیری اجتماعی با اتخاذ تدابیر خاص خودآزار و اذیت زنان را کاهش می‌دهد. بنابراین باید از پیشگیری وضعی بعنوان روشی مکمل در کنار سایر پیشگیری‌ها سود

جست. تلاش برای کاهش فرصت‌های مجرمانه و حذف یا تغییر وضعیت‌های مساعد ارتکاب جرم در کنار اصلاح ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ سازی در جامعه مؤثر خواهد بود. پس ابتدا باید شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره اصلاح شود و پس از آن با بکارگیری تدابیر پیشگیری وضعی می‌توان گام‌های مؤثری در جهت حمایت از زنان برداشت. باید جایگاه زنان را در جامعه بالا برد و از تحقیرهای جنسیتی خودداری کرد. باید نگرش‌های منفی و نادرست نسبت زنان را در جامعه از بین برد، نوع نگاه جامعه نسبت به اینکه زنان موجوداتی دست دوم و طفیلی هستند را اصلاح کرد، حمایت از زنان را بعنوان یک هنجار نهادینه کرد و وجدان عمومی را نسبت به آزار و اذیت زنان و ستم‌هایی که نسبت به زنان اعمال می‌شود حساس ساخت. پس راهکارهای پیشگیری وضعی از قبیل تأسیس پلیس ویژه زنان، اصلاح سبک زندگی آنان و... در کنار سایر روش‌ها جهت حمایت از زنان مؤثر واقع می‌شود.

پیشنهادهای

بلند بردن سطح دانش و افکار عامه نسبت به حقوق و امتیازات اجتماعی و فردی شهروندان به خصوص جایگاه و موقعیت حقوقی زنان در روابط خانوادگی و اجتماعی از طریق تهیه و تدوین برنامه‌های آموزشی وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی جهت نمایان کردن آثار و عواقب فردی، خانوادگی و اجتماعی آزار و اذیت.

بلند بردن میزان آگاهی و دانش مسلکی پلیس و نیروهای امنیتی در زمینه آموزش معیارها حقوق بشر جهت تقویت روحیه مسئولیت پذیری و احترام به حقوق بشر، نظارت و کنترل به خصوص توسط پلیس بر مکان‌ها و زمان‌های جرم خیز که محافظت بیشتر از آماج‌های جرم در این زمان‌ها و مکان‌ها و آگاه کردن زنان از وضعیت‌های پرخطر و زمان‌ها و مکان‌های جرم‌زا امری ضروری در کاهش و محو آزار و اذیت علیه زن حتمی پنداشته می‌شود.

گسترش سارنوالی اختصاصی مبارزه با آزار و اذیت و ازدیاد کارکنان این سارنوالی در تمام ولایات و جبری ساختن ثبت ازدواج و استفاده از نکاح نامه.

تعدیل و بازنگری بعضی از ماده‌های قانون منع آزار و اذیت زنان که با ارزش‌های حقوق بشر و مخصوصاً حقوق بزه‌کاران در تعارض قرار داشته و به ذات خود موجب افزایش ارتکاب جرم آزار و اذیت زنان می‌گردد.

جدا سازی صنف‌های دخترها و پسرها به منظر کاهش آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاهی.
استخدام استادان زن در صنف‌های ویژه دانشجویان اناث به منظر کاهش آزار و اذیت زنان در محیط دانشگاهی.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، تهران، چاپ دوم، نشر میزان، سال ۱۳۹۱.
۲. اسکید مور، ویلیام، «تفکر نظری در جامعه‌شناسی»، ترجمه محمد علی حاضری و دیگران، انتشارات سعید، سال ۱۳۷۲.
۳. اعتمادی‌فر، مهدی، رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، ج ۲، تهران، نشر روان‌شناسی و هنر، سال ۱۳۹۲.
۴. بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، سال ۱۳۷۶.
۵. جوان جعفری، عبد الرضا؛ سید زاده ثانی، سید مهدی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۹۱.
۶. دادستان، پریخ، روان‌شناسی جنایی، تهران، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت) سال ۱۳۸۹.
۷. ده‌آبادی، محمدعلی، جامعه‌شناسی جنایی، قم، نشر مرکز بین‌المللی برجه و نشر المصطفی (ص)، سال ۱۳۹۵.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا (جلد ۶)، تهران، نشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۷.
۹. ذوالقدر، محمد باقر، رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم (جلد اول)، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۹۱.
۱۰. ستانکزی، نصر الله، واصل، عبد الاقرار، نجیب، ظل الرحمان، قاموس اصطلاحات حقوقی، کابل، نشر دانشگاه کابل، سال ۱۳۸۷.
۱۱. شاملو، سعید، «آسیب‌شناسی روانی»، تهران، انتشارات رشد، سال ۱۳۷۳.
۱۲. صالحی، عبدل باری، درنگی بر قانون منع همسر آزاری، کابل، نشر سعید، سال ۱۳۹۶.
۱۳. صلاحی، جاوید، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، نشر میزان، چاپ پائیز، سال ۱۳۸۹.

۱۴. صادقی، میر محمد، رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، جلد (دوم)، تهران، نشر انتشارات روانشناسی و هنر، سال ۱۳۹۲.
۱۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی حمید، تهران، چاپ سوم، ناشر چاپخانه سپهر، سال ۱۳۷۲.
۱۶. علوی، نور الدین و دیگران، زن، شریعت و جنسیت، کابل، نشر بنیاد فریدریش ایبرت دفتر افغانستان، سال ۱۳۸۸.
۱۷. محمد نسل، غلام رضا و دیگران، مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۹۱.
۱۸. قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال، منتشره جریده رسمی شماره مسلسل ۱۲۸۵ مورخ ۹ جدی ۱۳۹۶.
۱۹. میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.

